

حاج آقانورالله و مبارزه علیه استعمار



اشخاصی که مثل این چند نفر سرباز جدید بی شرف به قنصلگری روس پناه برده‌اند، دوری کنید. امروز می‌توان گفت که رفتن این بی غیرتها به حمام مسلمین اشکال دارد. خداوند خود جزای اینها را بدهد.^۲

حاج آقانورالله در مورد پیشینه تاریخی استعمار خارجی می‌گوید:

«تمام ملوک نصارا از غلبه مسلمین به تنگ آمده، با هم متفق شده، عازم براضمحلال مسلمین شده و با لشکر زیادی که تعداد او ممکن نبود، رویه بلاد مسلمین نهادند و جنگ صلیب مشهور را برپا کردند.»^۳

حاج آقانورالله ریشه یابی وضعیت اسفبار مسلمین را طی دهه‌های اخیر این‌گونه معرفی می‌کند:

«امروز، روزی است که اسلام غریب است و کفار اطراف مسلمین را احاطه نموده‌اند و در صدد تسلط و حمله برمسلمانان هستند. برتمام مسلمین واجب و لازم است که بذل مال و جان نموده، و علم اسلام که حضرت خاتم الانبیاء (ص) و ائمه هدی (ع) با آن همه زحمت و مشقت، بذل نفوس خود و مسلمین و اصحاب و اولاد خود نمودند، به هر وسیله که هست، نگذارند زحمات آن حضرت به هدر رود و کفر براسلام غالب شود... چرا باید این قسم باشد؟ چرا باید قوه حربیه ما از آنها کمتر باشد؟ چرا باید استعداد ما از آنها کمتر باشد؟ باید کاری کرد که ما هم مثل آنها قوی باشیم و استعداد آنها را پیدا کنیم

مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و مقابله با هجوم گسترده فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غرب در دیدگاه حاج آقانورالله امری واجب شمرده می‌شد. چهل سال دوران مجاهدت در این راه شاهد صدق این مدعاست. او همزمان با آنکه به تحریم اقتصادی کالاهای خارجی می‌پرداخت؛ به برچیدن نفوذ مدارس بیگانه نیز نظر داشت و در گرم‌گرم مشروطه، فریبکاری انگلستان در حمایت از مشروطه را رسوا می‌ساخت و بشدت به سیاست بست‌نشینی در کنسولگری اجنبی می‌تاخت. همدار او به برخی متحصنین در سفارت انگلیس که رفع ظلم و عدالتخواهی را از بیگانه خواستار شده بودند چنین است:

«حضرات متحصنین، اگر راء و میل ما را می‌خواهید و خیرخواه خود می‌دانید و اطاعت دارید، از قنصلخانه بیرون بیایید و از هر جهت کمال اطمینان را داشته باشید و اگر میل دارید هر که از شما صدایش بزرگتر و گنده‌تر است که ما بین شما فریاد کند، ما با این طبقه کاری نداریم، خود دانیذ اطاعت او کنید.»^۱

حاج آقانورالله در مورد عده‌ای از سربازان فوج چهارمخال بختیاری که به دلیل عدم دریافت حقوق دو ساله‌شان رهسپار کنسولگری روسیه تزاری شده بودند، فریاد می‌زند:

«باید از وزیر جنگ، حکم اخراج آنها را خواست که کسان دیگر مرتکب چنین کاری که اسباب برباد دادن شرف ایرانیان است، نشوند. از

تا بتوانیم حفظ علم اسلام را بنماییم. آنها ملائکه نیستند؛ قوه ملکوتی ندارند. با این شمشیرهای شکسته و آلات حربیه قدیمیه با آنها جنگ نماییم، البته مغلوب خواهیم شد. ولی چنانچه در صدد تحصیل آلات حربیه جدیده برآییم و عموم مسلمین را به تعلیم علم جنگ دلالت بنماییم، عمّا قریب به درجه آنها خواهیم رسید. و اگر نتوانیم به بلاد کفر فایق بیاییم، حفظ بلاد خود را توانیم کرد... باید مسلمین در کمال جدّ و اجتهاد در صدد جهاد و دفاع برآیند و دعا هم بکنند و بر خدا توکل بنمایند تا خداوند فتح و نصرت را نصیب آنها فرماید.»^۴

۱. روزنامه جهاد اکبر، سال ۱۳۲۵ قمری، اصفهان.

۲. روزنامه جهاد اکبر، سال ۱۳۲۶ قمری، اصفهان.

۳. حاج آقانورالله اصفهانی، رساله مقیم و مسافر، اصفهان، ۱۳۲۷ ق.

۴. همان.